

525

卷之六

دی به چیل عمل و بنیاد
را غنی و به خیل مسکن
کل یا لیز دده بد رفتار و
شده فی هو بنی حیر
چرخبر پشان جهان نشد

بی بیو شید کوری
 مان کرد غله کوره
 نمانده بی و کر
 بی کشیله کر
 بزه جنبین ریک
 چرخاق و ده کمان و ده
 فقیر و لار و ده بل وطن و ده
 دسره و ده سر بیر نلش و ده
 گهری و ده نل مته
 پله فقیر و ده بی و ده و ده و ده

آخر دی پیر لار حیران شی
کہ ہر کب پہ تو نیہ بار کہ
و رہہ فشی سترہ تزلہ
سو دی فشنہ کب کہ
چہ پیر سیر فی وی نہ پیر
وہ و زی دی لہ خیل
منہ دی شتی نہ ہو ری شی
پہ خیل پیر پور کی حیران
اول خان خلاص کر کہ لہ بار
خود بہ و رشی تو خوتخالہ
فی اکے کد پشہ

کتاب فی ناقوان
دی پیاده پسی
خان به خط و ک
بی محواری
هغه که که پند
مختلای نه و شایر کور
پانده دی له قافلی
آخر مرک پی پیان و
بیاسف کوه دلال
تراصلد

میگر دلم نه به شد

1272 10/ 2/7

— 10 —

آرش دستگیر مقدم



آستان قدس

STAT /M/, 17

عبدالله بن محمد بن عبد الله

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب دیوان خانقانی دارالارواح نزد فیض زریں نقشبندیہ لاری

مؤلف متن حکیم فقیر الدین ابرویم بن محشی
 مع خانانی و عبدالکریم ملاذکر و دیگر

شارح من ترجم

تاریخ تحریر قزوین ^{۱۳۸۸} / نوع خط نسخ / تعداد اسطر ۱۹

جزء کتب ہوسٹ زبان فارسی عدد اوراق ۱۹۷

طول ۳۴/۸ عرض ۲۲ شماره عمومی ۲۰۲۵۹

وقفی مقام معظم رهبری حضرت امام خمینی (ره) وقف فرار ۱۲۷۴
خریداری تاریخ خریداری

ملاحظات
نکته سالم و کبار و عروب علیه حقیر می خواند

تأليف المؤلف

آفت زدایی شد

AA, 9, 14

مکرمه

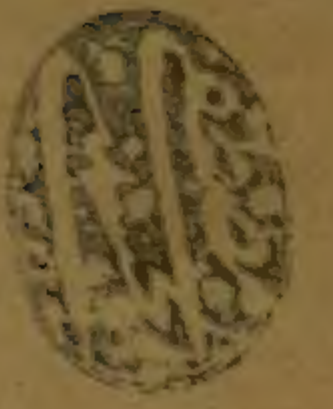
الف: زود جان ۱۸۴۱

Handwritten text in Persian script, likely a signature or title, appearing on the right side of the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a library stamp or ownership mark, located in the bottom right corner of the page.

بقولنا هذا

١٠٠



در این کتاب که در دسترس
 است از کتابخانه کهنه
 در شهر تهران
 در روز ۱۳۰۲
 در ماه ۱۲
 در سال ۱۳۰۲
 در روز ۱۳۰۲
 در ماه ۱۲
 در سال ۱۳۰۲

ولی من هر تعلیم است من طفل زبان دانش
 نه از نو و نه از پستانست هر دم رخ تعلیمش
 سر زانو و دست است که شمع را
 خود و لکس که روزی ندانست از سر زانو
 نه مرد و نه پستانست که رخش در روی
 و پستان از دست خاص آن شهری را
 کسی ز روی کجانی نشیند در پستان
 کسی که خضر فغنی است و من که چون موسی
 همه تعلیمش آتانی که خاموشی است تا ویش
 مرا بر لوح خاموشی الف بی قی ثبوت اول
 تخت از من زبان بسته که طفل اندر نواموس
 جو مانند من زبان چون نایان در من و میدار
 جان و بویه تعلیق در اکبر خست کاندن

دم تسلیم سر عشر و سر زانو و پستانش
 نه مرد و نه پستانست و از دست و سر زانو و پستانش
 که طوفان جوش در داوت خودی و دانا
 نه با کجش بود وجودی فی تاساق طوفانش
 بجز دم جبار طوفانست در دنیا و ارکانش
 که چون یک در بین آنو شاد شیر و دانا
 بر نویش کسار است شستنت جان
 کف موسی آب خضر پس در کربانش
 همه تعلیمش اشکالی که نادانست بر پانش
 که در و سر زانو و خاموشی است در پانش
 جو نایش بی زبان باید نه چون بطر زانانش
 که تا چون نای سوسی چشم را غم دم بغانش
 نه شیطانی اند و موسی پیش آدم ماند و پستانش

در این کتاب که در دسترس
 است از کتابخانه کهنه
 در شهر تهران
 در روز ۱۳۰۲
 در ماه ۱۲
 در سال ۱۳۰۲

بگویند

چون طرب در دل دل در ملکوت	رو به بهنسان شوم انشا الله
خضر بهمان گذرد بر روی	خضر و دوران شوم انشا الله
ایمن از کوه شینان بگذر	باد آبان شوم انشا الله
پیش آن در پستان شکوه	کوه شملان شوم انشا الله
قمع آزار که کند کوه بنای	نوح طوفان شوم انشا الله
ملک عزت بلم و افسر عقل	بو که سلطان شوم انشا الله
تا زنده خرس پی بخت سپید	ابر نیسان شوم انشا الله
در شینم دواخانه سیر	بخراسان شوم انشا الله
عند لیم بکنم خارستان	بکلستان شوم انشا الله
همه سپهر عقلم و چون غم کنم	کاب حیوان شوم انشا الله
بکنم دیو دیسا بسفر	تا سیلمان شوم انشا الله
چون صفایا مکنان را شکفته	ترکریبان شوم انشا الله
چون شکر خان را ز کرد سفر	خشک و امان شوم انشا الله
نمک افشان شده از دیده کین	شکر افشان شوم انشا الله
کر جو کر پس قان ارم ز	کل خندان شوم انشا الله
خشک چون شاخ در منه شدم	تازه ریسان شوم انشا الله
پسک زدم شده معلول وقت	لعل رخشان شوم انشا الله
جشم بازدم سپاری باز	سمه درمان شوم انشا الله
غرض آورد بگو شمع سیر و گفت	که بیایان شوم انشا الله

بازین شد
۱۳۷۱ هـ



